

آیت‌الله خامنه‌ای و رنجوری معیشت مردم:

تحلیل ذهنیت آیت‌الله خامنه‌ای دربارهٔ تداوم دولت روحانی

مهدی جمشیدی

[۱]. آیت‌الله مصباح‌یزدی نقل می‌کند که در دورهٔ نهضت اسلامی، دربارهٔ مسألهٔ میان نیروهای انقلابی اختلاف در گرفت، به طوری که برخی، مخالف موضع‌گیری امام خمینی بودند. از این رو، تصمیم گرفته شد که شخصی به نمایندگی از این جمع، نزد امام خمینی رفته و مسأله را به صورت شفاف، با ایشان در میان بگذارد. در این جلسه، امام خمینی این گونه استدلال کرد که شما، حق دارید که مرا «نقد» کنید و «مشورت» بدهید، ولی نباید از من، انتظار «پذیرش» داشته باشید، بلکه من باید بر اساس «حجت» و «تکلیف» خویش عمل کنم. این خاطره نشان می‌دهد که هر چند، «مباحثه» دربارهٔ عملکرد ولی‌فقیه، ناروا و نامشروع نیست، اما توقع این که او «تابع» نظرات ما باشد، ناصواب و ناموجه است.

[۲]. یک شخص، بدان جهت در جایگاه و منزلت «ولایت فقیه» نشانده می‌شود که بسیار بیشتر از دیگران، «قدرت تشخیص مصالح و مفاسد جامعهٔ اسلامی» را دارد و می‌تواند «بهترین تصمیم» را بگیرد. در این حال، روشن است که وظیفهٔ ما، «تبعیت» و «اطاعت» است، نه «تحکم» و «تحمیل».

[۳]. برخلاف تصور بسیاری، وظیفهٔ ولی‌فقیه، دخالت در «اجرائیات» و «مسائل روزمرهٔ زندگی مردم» نیست. حتی در «قانون اساسی» نیز چنین وظیفه‌ای برای ولی‌فقیه، تعیین نشده است.

[۴]. تصور آیت‌الله خامنه‌ای این نیست که دولت روحانی، دچار «بی‌عملی محض» و «فلج مطلق» هست، بلکه او معتقد است که برخی از بخش‌های دولت، فعالیت دارند و کارهای درخوری انجام می‌دهند. به بیان دیگر، گویا مشکل عمده، شخص رئیس‌جمهور هست که هم خودش «جدی» و «پیگیر» نیست و چشم به «مذاکره» و «خارج» دارد، و هم بعضی از مدیرانی که تعیین می‌کند، «کارآمد» و «پرتوان» نیستند.

[5]. قاعده کلی این هست که صلاح نیست ولی فقیه، خودش را در برابر «شخص منتخب مردم» قرار بدهد و او را «برکنار» کند؛ چون در این حال، «وجهه مردم سالارانه نظام»، آسیب می بیند و دوگانه «مردم» و «ولی فقیه» شکل خواهد گرفت، مگر این که شرایطی «بسیار استثنائی و خاص» پیش بیاد. به عبارت دیگر، اصل این است که دولت منتخب مردم، برقرار و پایدار باقی بماند، و برکناری رئیس جمهور، «بدترین» و «آخرین» راه هست و نیاز به «مقدمات فراوان» دارد.

[6]. ولی فقیه باید همواره، «بیش و درک سیاسی مردم» را در نظر بگیرد و به گونه ای عمل نکند که در ذهن آنها، «شبهه» و «اشکال» به وجود بیاید. پس «عمل و موضع گیری ولی فقیه»، خواه ناخواه، تا حدی تابع «میانگین و متوسط تحلیل و معرفت سیاسی مردم» هست تا میان این دو، فاصله و زوایه پدید نیاید. چنانچه ولی فقیه بخواد تنها، خودش را مبنا قرار بدهد و بر اساس فهم خودش عمل کند، فهم هایی که از او عقب تر و پایین تر هستند، با او همراهی نخواهند کرد. حال آیا می توان قضاوت کرد که امروز عموم مردم، به این «نتیجه قطعی و نهایی» رسیده اند که رئیس جمهور، قادر به «مدیریت» نیست و شاید از آغاز، صلاحیت قرار گرفتن در این جایگاه را نداشته است؟! آیا مردم، معتقدند که نسخه رئیس جمهور در زمینه «گره گشایی اقتصادی از طریق مذاکره با آمریکا» غلط بوده، یا همچنان در انتظار نتیجه انتخابات آمریکا هستند؟! آیا مردم از وضع «شرطی شدگی اقتصاد داخلی به مذاکره»، خارج شده اند؟! آیا اگر در انتخابات بعدی، کسی دوباره مدعی شود که می تواند از طریق بازسازی روند مذاکره و برجام، معیشت و اقتصاد را بهبود ببخشد، مردم او را انتخاب نخواهند کرد؟! به هیچ کدام از این پرسش ها، دست کم اکنون نمی توان پاسخ قطعی داد. اگر در زمان باقی مانده، فقط و فقط، مسأله «غلط بودن خط رابطه با آمریکا» در ذهن عموم مردم، حل و هضم بشود و این مسأله «دیرینه» و «پرهزینه»، از اندیشه مردم زدوده گردد، می ارزد که حضور این دولت ادامه یابد. این وسوسه شیطانی، باید در عمل و یک بار برای همیشه، «ریشه کن» شود تا بیش از این، مناقشه و تضاد درباره اش پدید نیاید.

[7]. چنانچه رئیس جمهور در این مرحله از دولتش که همچنان زمان دارد، از قطار پیاده شود، چه بسا ادعا خواهد کرد که اگر مجال داده می شد که از تمام زمان هشت ساله اش استفاده کند، در همین ماه های پایانی، ورق برمی گشت و اتفاقات مهمی

رخ می‌داد. پس او باید از «تمام فرصت قانونی» اش استفاده کند تا هیچ ابهام و بهانه‌ای باقی نماند. گاهی باید برای زدودن بهانه، هزینه داد.

[۸]. از آنجاکه «کمتر از یک سال» به پایان این دولت باقی مانده، و این مدت هم زیاد نیست، عقل سیاسی حکم می‌کند که هزینه «تداوم» بیشتر است یا «تغییر»؟! باید به این معادله، شرایط کرونایی در فصل سرد و هزینه انتخابات زود هنگام و جابجایی‌ها و جایگزینی‌های گسترده دولتی را نیز اضافه کرد.

[۹]. اکنون که وضع اقتصادی، نابسامان است و نوسان‌ها و تلاطم‌ها، زندگی را بر مردم تلخ کرده است، برکناری دولت به‌عنوان یک «تنش و تکانه شدید»، بی‌ثباتی بسیار بیشتری در اقتصاد ایجاد خواهد گرفت و «اغتشاش و هرج و مرج اقتصادی تازه» ای به راه خواهد انداخت. فردای روزی که اعلام شود که رئیس‌جمهور، برکنار شده است، این خبر چه بر سر قیمت‌ها خواهد آورد و این «جهش مهارناپذیر»، با معیشت مردم چه خواهد کرد؟!

[۱۰]. از آنجاکه «ولایت فقیه»، یک «جایگاه قدسی و معنوی» است و نباید همه‌چیز را به «شخص ولی فقیه» فروکاهید، نباید از او توقع داشت که هزینه «خطای سیاسی بزرگ مردم» را پردازد و در این معرکه، وارد شود. البته چه بسا این اقدام، به‌عنوان «تقابل» ولی فقیه با مردم، بازنمایی و وانمود نشود، نه «فداکاری» وی برای مردم و در جهت صلاح آنها، و این یعنی خسران دوچندان. اگر آن بخش از مردم که روحانی را برگزیدند، هزینه انتخاب اشتباه خویش را «به‌طور کامل» پردازند و مشاهده کنند که قانون، استثنائی را در نظر نمی‌گیرد و قطاری که به‌راه افتاد، باید تا ایستگاه پایانی، حرکت کند، در انتخاب‌های بعدی خویش، «دقت» و «حساسیت» خواهند داشت و «مقلدانه» و «لجوجانه» و «طوطی‌وار»، تکرار نخواهند کرد. این خود، موجب «رشد سیاسی» مردم خواهد شد.

[۱۱]. از طرف دیگر، برکناری رئیس‌جمهور، موجب مخدوش شدن و آسیب دیدن «حیثیت سیاسی نظام» در منطقه و در فضای جهانی خواهد شد و آشکارا، دلالت بر ضعف درونی نظام و بی‌ثباتی و عدم استحکام آن دارد. قوت و اقتدار ساختاری نظام جمهوری اسلامی اقتضاء می‌کند که این قبیل بیرون‌زدگی‌ها و تضادها را در درون

هاضمه خویش، حل کند، نه این که به لرزه درآید و در سال‌های نخستین گام دوم انقلاب، دچار تلاطم‌های سیاسی سال‌های آغازین انقلاب شود.

[۱۲]. شاید آیت‌الله خامنه‌ای در چارچوب این ملاحظه‌ها و محاسبه‌های احتمالی و حدسی، از یک سو، «فرود آرام» این دولت را بر «عزل تنش‌زا»ی آن ترجیح داده است؛ و از سوی دیگر، تلاش می‌کند تا از طریق «تذکرات مکرر و بسیار جدی نسبت به دولت» و «واداشتن مدیران آن به تحرک و اقدام و عمل»، و همچنین «به‌کارگرفتن نهادهای زیر نظارت خویش» - از قبیل نیروهای مسلح، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان امام و ... - در راستای کمک و مساعدت اقتصادی به مردم، از رنج معیشتی آنها بکاهد و هرچه که ممکن است، گره‌گشایی کند. البته روشن است که هیچ‌یک از اینها، جایگزین یک «دولت قوی و فعال» نمی‌شوند و بیش از «تسکین‌دهنده‌های موقتی» نیستند. به‌هر حال، مطالبه ما نیز باید «تحرک» دولت باشد، نه «تغییر» آن.

https://eitaa.com/sedgh_mahdijamshidi